

## پیشینه غیبت امام زمان (عج)

ما با صراحت عنوان میکنیم که مسأله غیبت امری عجیب نیست و در دوران گذشته در بسیاری از انسانها منجمله پیامبران الهی وجود داشته است. مسأله غیبت هر چند در تاریخ 250 ساله امامت شیعی به طور کامل و آشکار سابقه ای نداشته ، ولی مسأله ی غیبت مختص به امام عصر - ارواحنا فداه - نیست.



ما با صراحت عنوان میکنیم که مسأله غیبت امری عجیب نیست و در دوران گذشته در بسیاری از انسانها منجمله پیامبران الهی وجود داشته است. مسأله غیبت هر چند در تاریخ 250 ساله امامت شیعی به طور کامل و آشکار سابقه ای نداشته ، ولی مسأله ی غیبت مختص به امام عصر - ارواحنا فداه - نیست.

آیا مسأله ی غیبت مختص به امام زمان(عج) است؟

یکی از مباحث غیبت امام زمان (عج) عدم باور آن از طرف بسیاری از مردم جهان بوده است آنها عنوان می کنند که چنین امر عجیبی تا بحال سابقه نداشته و باور آن بسیار مشکل است مادر این مقاله سعی داریم به همین شبهه جواب دهیم و ثابت کنیم که مخالفان نه تنها اشتباه می کنند بلکه ما از میان پیامبران آنها این مورد را به اثبات می رسانیم .

پیشینه غیبت و عادی بودن این امر :

ما با صراحت عنوان میکنیم که مسأله غیبت امری عجیب نیست و در دوران گذشته در بسیاری از انسانها منجمله پیامبران الهی وجود داشته است. مسأله غیبت هر چند در تاریخ 250 ساله امامت شیعی به طور کامل و آشکار سابقه ای نداشته ، ولی مسأله ی غیبت مختص به امام عصر - ارواحنا فداه - نیست در تاریخ زندگی امتهای پیشین در ارتباط با انبیا و جانشینان آنان کم و بیش به چشم می خورد. طبق بیان قرآن کریم و روایات فراوان، تعدادی از پیامبران گذشته، از جمله: صالح، یونس، موسی، عیسی و خضر(علیهم السلام) نیز به عللی، هم چون امتحان امت خود، غیبت اختیار کرده، از انظار مردم پنهان شده اند

در پاره ای از روایات رسیده از امامان علیهم السلام از مسأله غیبت رهبران الهی به عنوان یک ست پروردگار یاد شده که در میان تمامی امتها به وقوع پیوسته و جریان داشته است. در این رابطه احادیث فراوانی وجود دارد که در زیر به چند نمونه اشاره می شود :

بنی امیه و بنی عباس چون باخبر شدند که زوال و پایان سلطنت آنها به دست قائم اهل بیت (عج) خواهد بود، به عداوت و دشمنی با اهل بیت برخاسته و قتل و کشتار اهل بیت را شروع کردند تا بتوانند به کشتن مهدی (عج) دست یابند لیکن خداوند مانع شد که ستمگران از آن حضرت با خبر شوند

1- سدید صیرفی می گوید: با مفضل و ابوبصیر و ابان بن تغلب خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدیم. آن حضرت بر روی خاک نشسته بود و لباس خبیری بر تن داشت و همچون مادری فرزند مرده، گریه می کرد و حزن و اندوه سراسر وجود حضرت را فرا گرفته بود و در حالی که اشکهایش جاری شده بود می فرمود: ای آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم سلب نموده و زندگانی را بر من تنگ کرده و آرامش را از قلبم گرفته است. ای آقای من! غیبت تو، مصائب و اندوه مرا برای همیشه دردآور نموده است. به آن حضرت عرض کردیم: ای فرزند بهترین انسانها! چرا این قدر گریان و اندوهناک هستی؟ حضرت فرمود: امروز در کیفیت تولد و غیبت طولانی قائم (عج) و گرفتاری مؤمنان و تردیدهایی که به واسطه طولانی شدن غیبت در آنان پیدا می شود و اکثر آنها از دینشان بر می گردند، تأمل کردم. رقت، قلبم را فراگرفت و غم و اندوه بر من چیره گشت. از حضرت تقاضا کردیم بیشتر توضیح دهد. فرمود: خداوند متعال در قائم ما، سه سنت از سه پیامبر قرار داده است؛ تولدی شبیه موسی (علیه السلام)، غیبتی چون عیسی (علیه السلام)، عمری مانند نوح (علیه السلام) و دلیل بر طولانی شدن عمر حضرت مهدی، عمر حضرت خضر (علیه السلام) است.

اما سنت موسی (علیه السلام) - فرعون دریافته بود که زوال حکومت او به دست موسی (علیه السلام) خواهد بود. دستور داد کاهنان جمع شوند و او را از نسب موسی (علیه السلام) با خبر نمایند. کاهنان خبر دادند موسی از بنی اسرائیل است. لذا فرعون دستور داد تا شکم زنان حامله را دریدند و بیش از هزار مولود از بنی اسرائیل را کشتند، ولی به موسی (علیه السلام) که در حفظ و حمایت خداوند متعال به سر می برد، دست نیافتند . سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: همچنین بنی امیه و بنی عباس چون باخبر شدند که زوال و پایان سلطنت آنها به دست قائم اهل بیت (عج) خواهد بود، به عداوت و دشمنی با اهل بیت برخاسته و قتل و کشتار اهل بیت را

شروع کردند تا بتوانند به کشتن مهدی (عج) دست یابند لیکن خداوند مانع شد که ستمگران از آن حضرت با خبر شوند.

اما سنت حضرت عیسی (علیه السلام) - یهود و نصارا گفتند که عیسی کشته شد. لیکن خداوند آنان را تکذیب نمود و فرمود: &#171;نه او را کشتند و نه به دار آویختند لیکن امر بر آنها مشتبه گردید». (سوره نساء، آیه ???) همین طور است غیبت قائم، زیرا امت به واسطه طولانی شدنش، آن را انکار می کنند.

اما راجع به شباهت طولانی شدن عمر امام زمان با حضرت نوح (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی نوح (علیه السلام) برای قوم خود درخواست عذاب نمود، خداوند برای وی پیغام فرستاد که من بندگانم را هلاک نمی کنم مگر بعد از اتمام حجت بر آنان و تو صبر و تحمل پیشه کن و آنان را به سوی من دعوت کن که ثواب و پاداش تو را عطا خواهم کرد. این آزمایش الهی به قدری طولانی شد که عده بسیاری از دین خدا برگشتند، تا جایی که فقط هفتاد و دو نفر از امت بر دین نوح (علیه السلام) باقی ماندند. آن گاه امام صادق (علیه السلام) فرمود: برنامه غیبت قائم (عج) نیز چنین است. زیرا به قدری طولانی می شود که برای بسیاری از شیعیانی که دارای نفاق هستند تردید حاصل می شود و مؤمنان خالص از دیگران جدا می گردند.

اما طولانی شدن عمر بنده صالح خدا، خضر (علیه السلام) نه به نبوت و امامت اوست، بلکه چون خداوند عمری طولانی برای حضرت مهدی مقدر نمود می دانست که طولانی شدن غیبت او، موجب انکار می شود، عمر خضر را طولانی گردانید تا بدین وسیله بر طولانی شدن عمر حضرت مهدی (عج) استدلال شود و حجت خدا بر منکران تمام گردد. (1)

2. امام صادق - علیه السلام - در پاسخ این سؤال که وجه حکمت غیبت حضرت قائم (عج) چیست؟

&#171;وجه حکمت در غیبت او، همان وجه حکمت در غیبتی است که توسط حجتهای الهی پیش از او صورت گرفته، به عبارت دیگر میتوان وجه غیبت حضرت مهدی (عج) را استمرار همان سنت حکیمانهای دانست که در ادوار گذشته تاریخ به غیبت بسیاری از انبیا و اولیا انجامیده است» (2)

3. امام صادق - علیه السلام - به حنان بن سدید فرمود: &#171;مشیت خدا بر این استقرار یافته که سنتهای پیامبران پیشین - علیهم السلام - را در مورد غیبت قائم ما جاری سازد، پس حاصل جمع مدت غیبت های آنان درباره او واقع خواهد شد.» (3)

اما شباهتش به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، خروج او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول صلی الله علیه و آله و جباران و سرکشان است

4. امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: &#171;به خدا سوگند آن سنت خداست و مو به مو اجرا خواهد شد هر آنچه در میان امتهای پیشین واقع شده بدون تردید در میان شما نیز واقع خواهد شد و اگر جز این بود شما بر خلاف اقوام قبلی میشدید در صورتیکه سنت خدا تغییر ناپذیر است...» (5) شبیه همین سخن از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است

5. در مورد شباهت آن حضرت به انبیا و رسولان سلف، باقر آل محمد (علیه السلام) فرمود: &#171;بیه راستی در قائم از آل محمد (صلی الله علیه و آله) شباهتی است به پنج تن از رسولان، یونس و یوسف و موسی و عیسی و محمد علیهم السلام، اما شباهتش به یونس بن متی (علیهما السلام)، بازگشت او از غیبت است در حالی که با وجود سن زیاد، جوان باشد. و اما شباهتش به یوسف بن یعقوب علیهما السلام، پنهان زیستن آن حضرت از خاص و عام و مخفی شدن از برادران و پوشیده شدن امر او بر پدرش، یعقوب علیهما السلام باشد و این در حالی بود که بین او و پدر، بستگان و پیروانش، فاصله کمی بود (امام زمان علیه السلام در بین مردم با فاصله کم از آنها مخفی و پنهان است.) و اما شباهتش به موسی علیه السلام، ترس دائمی داشتن از دشمنان و طولانی بودن غیبت و پنهانی بودن تولد اوست و این که پیروانش پس از او از اذیت و خواری در رنج بودند تا این که سرانجام خدای عز و جل، ظهورش را اجازه فرمود و او را بر دشمنانش یاری و نصرت بخشید.

و اما شباهتش به عیسی علیه السلام، اختلاف کسانی است که درباره او اختلاف کردند. گروهی گفتند: به دنیا نیامد، و برخی گفتند: مُرد و از دنیا رفت و عدهای گفتند: کشته و به دار آویخته شد.

و اما شباهتش به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، خروج او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول صلی الله علیه و آله و جباران و سرکشان است.» (5)

پی نوشت ها:

1. کمال الدین

2. رک علل الشرایع، ص 246.

3. علل الشرایع ، ص 245.

4. بحارالانوار ج 52 ص 110 ، روزگار رهایی ترجمه علی اکبر مهدی پور ، ص 191

5. بحار الانوار، ج 51، ص 217؛ کشف الغمه، ج 2، ص 523.

فراوری بخش عترت و سیره تبیان